



نفی تثلیث در متون مسیحیت؛ دغدغه مولف «تثلیث در قرآن و عهدین»

محمد کاشانی در کتاب «تثلیث در قرآن و عهدین» تلاش کرده نشان دهد باور مرکزی مسیحیت موجود یعنی اعتقاد به خدای واحد در سه شخصیت متفاوت (پدر، پسر و روح القدس) بر خلاف متون مقدس مسیحی است.

محمد کاشانی در کتاب «تثلیث در قرآن و عهدین» تلاش کرده نشان دهد باور مرکزی مسیحیت موجود یعنی اعتقاد به خدای واحد در سه شخصیت متفاوت (پدر، پسر و روح القدس) بر خلاف متون مقدس مسیحی است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، کتاب تثلیث در قرآن و عهدین توسط محمد کاشانی نگاشته شده است. این کتاب در تابستان سال گذشته و توسط انتشارات «دلیل ما» واقع در شهر قم، در 344 صفحه و به بهای 11500 تومان منتشر شده است.

این کتاب تحت عناوین کلی اصطلاح‌شناسی تثلیث، تثلیث در ادیان قبل از مسیحیت، سیر تاریخی تثلیث، نظریه تثلیث در عهدین، عقل و تثلیث و تثلیث در قرآن گرد آمده است.

کتاب چنانچه در چکیده آن اشاره می‌شود موضوع محور است. در این کتاب ابتدا کوشش شده است تا معنای صحیحی از اصطلاح تثلیث در اندیشه مسیحی ارائه شود، آنگاه ریشه‌های باستانی این باور بنیادین مسیحی در ادیان ابتدایی جستجو شده و داستان چگونگی ورود این اعتقاد به دنیای مسیحی و تثبیت آن به عنوان باوری اصلی جهان مسیحی با عنایت به این که این مفهوم در کتاب مقدس و کلیسای اولیه ریشه ندارد، بیان شود.

محمد کاشانی در گام بعدی کاشانی کوشش کرده است تا جایگاه این مفهوم در اندیشه مسیحی را تبیین کند. نگارنده بر آن است که هیچ آیه‌ای در کتاب مقدس در تایید باور به تثلیث وجود ندارد، از این رو تک‌تک آیاتی که در خصوص تثلیث مورد استناد واقع شده است، با استفاده از خود کتاب مقدس رد می‌شوند. نگارنده معتقد است «نتیجه‌ای که این تحقیق ارائه می‌دهد عدم هماهنگی تثلیث و الوهیت مسیح با آموزه‌های کتاب مقدس سازگان است».

هدف بعدی کاشانی این است که نشان دهد تثلیث با عقل و قرآن نیز نمی‌خواند. نویسنده کوشش کرده است اشکالات مستشرقین مسیحی در خصوص درک قرآن از مساله محوری کتاب را پاسخ دهد.

اعتقاد به وجود سه شخص متفاوت «پدر، پسر و روح القدس» در ذات خدا، یکی از آموزه‌های محوری مسیحیان است. در طول تاریخ مسیحیت این باور همواره وجود داشته است و مسیحیان دیدگاه‌های مختلفی در تبیین و توجیه عقلی تثلیث داشته‌اند. البته برخی از متفکرین مسیحی نیز این اصل را ایمانی دانسته و معتقد بوده‌اند که «ایمان بیاور تا بفهمی». این دسته از متکلمان مسیحی معتقد بوده‌اند که این حقیقت قابل فهم عقلی نیست.

کاری اصلی که این کتاب می‌بایست انجام دهد این است که نشان دهد این باور مسیحی برخلاف خود منابع اصلی مورد اعتقاد مسیحیت است. در این خلال بی‌شک پرداختن به موضوع تثلیث در قرآن موضوعی حاشیه‌ای به نظر می‌رسد.

در بخش اصطلاح‌شناسی تثلیث، نگارنده می‌کوشد به بیان مفهوم تثلیث و دشواری‌های آن بپردازد. خلاصه باور مسیحی تثلیث چنین آمده است که پسر، پدر نیست، پسر روح القدس نیست و روح القدس نیز پدر نیست؛ در عین حال پدر، خداست، پسر خداست و روح القدس نیز خداست. نگارنده نشان می‌دهد که فهم باور اصلی اولین آیین پر پیرو جهان چندان ساده نیست. در ذیل این بحث کوشش شده است تا تبیین‌های مختلف از این آموزه و بدعت‌های تمثیلی در کنار معنای اعتقاد به «پدر، پسر و روح القدس» در کلام مسیحی بیان شود.

مولف به عنوان مقدمه در بحث ادیان قبل از مسیحیت می‌نویسد: «در ادیان مشرک نگاه سه‌گانه به آفرینش معمول بود ... و قدرت خدایان بین این سه قلمرو تقسیم می‌شد.» وی در ادامه به بحث‌های رابطه مکتب تثلیث و افلاطون، تثلیث هندی و مصری پرداخته است.

کاشانی در بخش نظریه تثلیث در عهدین به فرازهای متون مقدس مسیحی در خصوص این آموزه می‌پردازد و معتقد است علاوه بر آن که هیچ جایی خبر از تایید خدای واحد و سه اقنوم پدر، پسر و روح القدس نیست، بلکه این آموزه توسط این متون نقض شده است.

نگارنده در پایان کتاب چنین نتیجه‌گیری کرده است که تثلیث مفهوم پیچیده و غیرقابل درکی است که به هیچ وجه خاستگاه کتاب مقدسی نداشته و در سخنان عیسی مسیح نیز وجود ندارد. او معتقد است این آموزه ریشه در فرهنگ ادیان ابتدایی و قبل از عیسی مسیح دارد که کم و به مرور زمان به مسیحیت نفوذ نموده و جایگاه توحید را گرفته است. وی در تایید ماحصل کتابش از رنه گنون محقق سنت‌گرا و پراوازده فرانسوی شاهد مثال آورده است که با درک عدم انطباق الهیات مسیحی با منطق به اسلام مشرف شد.

کاشانی صفحه آخر کتاب خود را با نقل قولی گنون و با این عبارت به پایان می‌برد که دیدگاه عموم مسلمانان این است که مسیحیان با پرستش انحصارگرانه سه تجلی خداوندی، پرستش خدا را هم غصب می‌کنند و آموزه مشترک تمام ادیان را نفی می‌کنند. عمده آنچه به سبب اسلام، مسیحیت را نکوهش می‌کند این است که مسیحیان تثلیث را هم تراز وحدت خدا قرار

داده‌اند و خدا را به عنوان یگانه سه‌گانه تعریف می‌کنند و این همه حرفی است که مطلق بودن خدا را نفی می‌کنند و قرآن نیز سه‌گانه بودن امر مطلق را نادرست می‌داند.